

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@afgazad.com](mailto:afgazad@afgazad.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

لمبه

۰۸.۱۱.۰۹

## شبانه های من (۵)

"دین، افیون توده هاست" را سالها پیش از کارل مارکس خوانده بودم. آن روزگار نوجوان بودم، مفهوم واقعی این سخن را نه میدانستم و نه هم برایم چندان گیرایی داشت. ولی با گذشت روزگار، به عمق و ژرفنای این سخن پی بردم و با گوشت و پوستم لمس کردم که راستی هم "دین، افیون توده هاست."

دین، گرچه امروز در بسا از جوامع به امر خصوصی تبدیل شده است، لیک هنوز "دوست کاذب بورژوازی است." در کشور من دین، هیچگاه نتوانسته است نقش پیشرونده داشته باشد، چون از لحاظ فلسفی نیز چنین نقشی را نمی تواند به دوش بگذرد. اگر هزار بار هم عده ای با زور بر شانه هایش "نقش پیشرونده و مترقی" بار کند، باز هم دین در سرزمین من ارزشی بوده است که تیکه آنرا سیاف، ربانی، ملاعمر، گلبدین، شینواری، مجددی، پیرم قل، راکتی، یونس خالص، شیخ آصف محسنی، محقق و دیگر شایدان داشته و راستی هم که این تیکه را به وجه احسن پیش برده اند.

دین بر ایستایی باور دارد و تهداب اصلی آنرا نیز بنیادگرایی می سازد. خدعه و فریبی بیش نخواهد بود اگر ما از "دموکراسی اسلامی"، "اسلام متعادل" و "اسلام مردمی" سخن به میان آوریم. دین همانی است که اخوان ادعایش را دارد و طالبان به پای آن سر می برند و "دموکراسی اسلامی"، "اسلام متعادل" و "اسلام مردمی" تولید جعلی روشنفکرانی است که در تلاش سود بردن از دین می باشند. دین، یعنی قران؛ و قران قابل تعدیل نیست تا ما بتوانیم از تعادل و دموکراسی صحبت کنیم. احمد شاه احمدزی یکی از جنایتکاران اسلامی با صراحت و به جا می گوید که در اسلام چیزی بنام دموکراسی وجود ندارد.

پس چه بهتر که بدون جعلکاری، بگذاریم که مردم دین و نقش آنرا در زندگی مادی شان به مرور زمان به بررسی بگیرند و بالاخره در مورد آن قضاوت کنند.

ولی مضحکتر زمانی میشود که عده ای تلاش می نمایند تا دین را با ساینس با شیوه ای تطابقت دهند که به جز اینکه از خنده روده بر شویم، چیزی از آن عاید مان نمی شود.

ملا امام مسجد وزیر اکبر خان که در عین زمان استاد پوهنتون نیز است، در خطبه روز جمعه مورخ ۱۶ عقرب با احساسات خاص گفت که خوردن یک غذا از لحاظ روحی و اخلاقی نیز اثر گذاری معینی بر انسان می گذارد. او به دو نمونه جالب در این زمینه اشاره کرد و گفت که اگر کسی به اولادش گوشت پلنگ بخوراند، کودکش به مرور زمان خصلت پلنگ را می گیرد و اگر کسی از گوشت خوک بخورد بی ناموس و بیغرت بار می آید و بی بندوباری جنسی غرب را نیز به خوردن گوشت خوک ارتباط داد. اما او فرمود که خودش که سالها گوشت گاومیش، گاو، گوسفند و بز را خورده است، کدام خصلت را در خود دارد: خصلت گاومیشی، گاوی، گوسفندی یا بزی و یا هم شترگاوپلنگی است که از بخت بد مردم ما استاد پوهنتون شده است!

<http://www.archive.org/details/AWonderfulStatementFromMola>

تا یک شبانه دیگر.